

روزنامه‌های فارسی برون مرزی و نقش آن‌ها در تحولات داخلی ایران

دکتر کاظم معتمد نژاد*

گفت‌وگو از:

یوسف ناصری*

● در پیشینه مطبوعات غربی، خبرنگارهایی در عهد جمهوری رم می‌توان یافت که نوعی خبرنگار در مورد فعالیت‌های مجلس سنا بوده است و با اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ در دهه ۱۴۳۰ صنعت چاپ سربی آغاز می‌شود و به تدریج اوراق خبری، هجونا‌مه‌ها، کانارها، نشریات ادواری، گزت‌ها و روزنامه‌ها منتشر می‌شوند. آیا می‌شود صحبت از یک سیر منطقی روزنامه نگاری در غرب داشت که به نهادینه شدن مطبوعات و آزادی مطبوعات در غرب منجر شده ولی در ایران چنان تحولاتی رخ نداده است که آن امر مطلوب محقق گردد؟

○ من معتقدم که نمونه‌های خبرنگارهای روزنامه‌های رم را در جاهایی دیگر هم داریم؛ مثلاً در چین و ایران باستان. در ایران سیستمی در زمان داریوش راه افتاد و از طریق برافروختن آتش خبر رسانی کردند. اما ما آن کارها را دنبال نکردیم. اصولاً روزنامه نگاری غرب محصول نیاز سرمایه داری است. یعنی از دوره رنسانس به بعد، سرمایه داری رو به رشد گذاشت و مقتضیات اقتصادی ایجاب می‌کرد که اطلاعات لازم را در مورد کالاهای

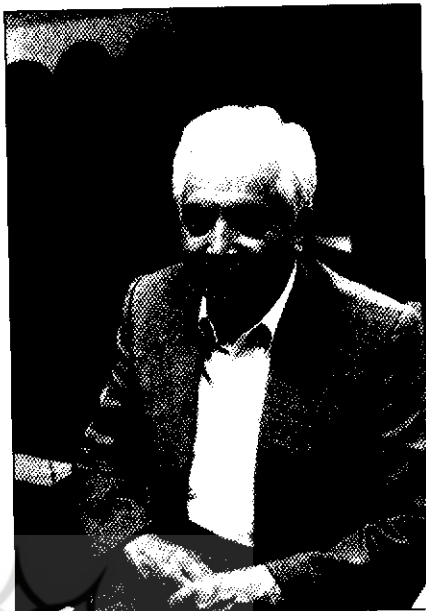
* استاد دانشگاه و متخصص علوم ارتباطات

* روزنامه نگار



مختلف در بنادر معروف غربی از جمله بندر ونیز و یا بنادر هلند دریافت کنند.

ما می‌دانیم که کاغذ از چین و از طریق سمرقند، نیشابور، ری، بغداد، شام، مصر و شمال آفریقا به اروپا می‌رسد. چاپ هم همین طور است و از چین به اروپا می‌رود. تا قبل از قرن سیزدهم کتاب‌ها را به صورت دست نویس تکثیر می‌کردند. نخستین روزنامه‌ها نیز در برخی بنادر و شهرهای معروف آن زمان منتشر شد. مثلاً در سال ۹-۱۶۰۵ انتشار روزنامه را در برخی بنادر بلژیک و یا هفته‌نامه‌ها را در فرانکفورت و پراگ داریم.

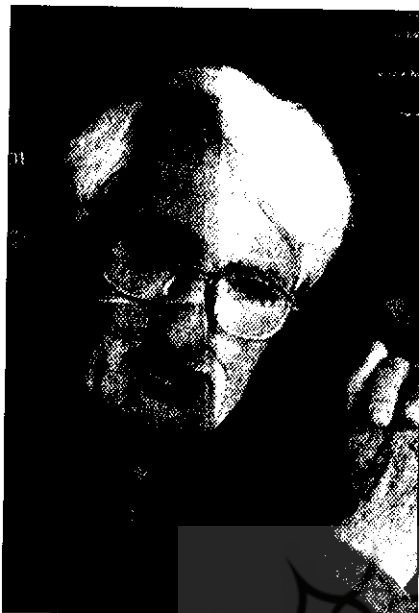


* کاتب مستشرقان

اما رشد مطبوعات باعث شد که پادشاهان مستبد به فکر سانسور مطبوعات بیفتند. در آن زمان فرضاً در قرن شانزدهم آزادی زیادی در هلند وجود داشت و شرایط به گونه‌ای بود که روزنامه نگاران آزادی خواه فرانسه، انگلیس و آلمان به هلند می‌رفتند و آثارشان را تهیه و چاپ می‌کردند. همین شرایط در دوران مشروطه ایران هم تجدید شد. یعنی در آستانه انقلاب مشروطیت، همان شرایط قرن شانزدهم و هفدهم اروپا در ایران تکرار می‌شود. نویسندگان و روشنفکران اروپایی در آن زمان به دلیل وجود استبداد در کشورشان به هلند می‌رفتند. چون در آن‌جا آزادی وجود داشت. در دوره مشروطه هم چون در ایران، آزادی نبود و آزادی بیشتری در امپراتوری عثمانی وجود داشت روشنفکران ایرانی از فرصت استفاده کرده و به عثمانی رفتند. به همین دلیل روزنامه‌های فارسی زبان «اختر» و «ثریا» در اسلامبول و قاهره چاپ شدند. منتهی تفاوت تجربه ما با غربی‌ها این است که در ایران اولین روزنامه در سال ۱۸۳۷ چاپ می‌شود. در حالی که در آن زمان حدود دویست سال از تاریخ مطبوعات غرب گذشته بود.

در آن دوران اروپا از نظر چاپ مطبوعات چند دوره را تجربه کرد. در ابتدا مطبوعات استبدادی به مطبوعات انقلابی تبدیل شدند و بعد وارد دوره آگهی شدند. در حال حاضر،





مطلب اصلی روزنامه‌ها همان آگهی‌های تجارتي است ولي مطالب سرگرم کننده مثل گزارش‌ها و اخبار را هم مي‌آورند.

هابرماس در كتاب گستره عمومي گذار مطبوعات از استبدادي به انقلابي را در وقوع انقلاب فرانسه و ايجاد دموكراسي در اروپا مهم مي‌داند. هابرماس مي‌گويد روزنامه‌هاي غير سياسي يعني فرهنگي، ادبي و هنري در نيمه اول قرن هيچدم در فرانسه شرايطي را فراهم آوردند كه روشنفكران و آزادي خواهان اروپايي دور هم جمع شوند و زمينه را براي پيروزي انقلاب فرانسه آماده كنند.

پس از انقلاب فرانسه است كه مطبوعات عقيدتي، سياسي و انقلابي شروع به كار كردند و همين مطبوعات هستند كه به عنوان ركن چهارم دموكراسي به حساب مي‌آيند. اين روزنامه‌ها بودند كه مي‌توانستند مسائلي جامعه را منعكس كنند و آرمان‌هاي ملي را در نظر داشته باشند. از دهه ۱۸۳۰ هم مطبوعات انقلابي كم كم رو به افول گذاشتند و به جاي آن‌ها روزنامه‌هاي تجارتي دوره آگهي منتشر شد. در مرحله سوم مطبوعات غربي، تازه ما صاحب روزنامه استبدادي شديم.

آن‌ها آن مراحل را طي كردند و به علت رشد سرمايه داري به روزنامه‌هاي تجارتي رسيدند و الان همان روند را ادامه مي‌دهند ولي به هر حال، در آن كشورها مطبوعات ركن چهارم دموكراسي است و ما دويست سال بعد از غربي‌ها صاحب روزنامه شديم و چون آزادي در ايران نبود، عده‌اي به خارج از كشور رفتند و روزنامه‌هايي را منتشر كردند. لازم مي‌دانم بگويم كه بالاخره ما هم وارد مرحله تجارتي روزنامه‌ها شديم ولي به صورت ناقص. به همين جهت صاحب روزنامه نگاري حرفه‌اي نشديم.

● گفته شده كه اصطلاح روزنامج عربي از زبان پارسي گرفته شده است. آيا در گذشته ما اثری داریم كه پیام را به صورت كتبي انتقال داده باشد؟



○ در دوره صفویه اصطلاح «روزنامه» در ایران به کار برده شده و شاعران متعددی از این کلمه استفاده کرده‌اند. مطابق تحقیقاتی که آقای دکتر محسنیان راد انجام داده در دوره ایران باستان، پست در ایران راه اندازی شد که شاید پیغام‌های کتبی را هم از طریق چاپارها انتقال می‌دادند ولی حداقل ما می‌دانیم که با استفاده از آتش و از طریق برج‌های مشخصی پیام‌ها را از ایران به مرز یونان انتقال می‌دادند. افراد با سواد هم در دربار پادشاه بودند که خط می‌نوشتند و با استفاده از رمز پیغام‌های خودشان را انتقال می‌دادند.

● در چین چه تحولاتی رخ داده بود؟

○ روزنامه‌ها در چین لااقل هفته‌ای یک بار تمام فرامین حکومتی را چاپ می‌کردند و فرانسویان حتی قبل از انقلاب می‌گفتند ما باید مثل چینی‌ها روزنامه داشته باشیم و با طرح چنین موضوعی در پی روزنامه نگاری آزاد بودند. اصولاً چینی‌ها در دوران قرون وسطی روزنامه‌ها را به صورت هفتگی درآورده و مطالب خود را با خط و مرکب چینی روی کاغذ چاپ می‌کردند.

● چرا همان تجربه اولیه ایرانیان هم استمرار ندارد تا به مرور زمان تکامل پیدا کند؟

○ به خاطر تداوم استبداد. چون استبداد شدت پیدا کرد. در همان دوره صفویه به قول دکتر سید جواد طباطبایی اندیشه سیاسی رو به زوال گذاشت. چون آزادی فکری وجود نداشت، اندیشه‌ها رشد نکرد. پادشاهان صفوی هم از مطالب چاپی خوش‌شان نمی‌آمد و به هر حال آثار چاپی اولیه بسیار زشت بود. اما کتاب‌هایی که در ایران به صورت دست‌نویس تهیه می‌شد با خط خیلی قشنگ بود و تذهیب می‌شد. به همین دلیل این نوع کتاب‌ها خیلی جلب توجه می‌کرد.

«شاردن» جهانگرد فرانسوی که در دوره صفوی به ایران سفر کرده بود می‌گوید: «پادشاهان صفوی، کتاب‌های چاپی را نمی‌پسندیدند».

هر چند که ارامنه در جلغای اصفهان در سال ۱۶۳۹ از ماشین چاپ استفاده کرده و کتاب‌های مذهبی خودشان را چاپ می‌کردند.

● وقتی که «میرزا صالح شیرازی» اولین چاپخانه دولتی را دایر و روزنامه «کاغذ اخبار» را چاپ می‌کند، آیا این قدر آزادی داشت که در نشریه‌اش در مورد صنعت



چاپ، علوم جدید، نظام پارلمانی، آزادی انتخابات و برابری مردم سخن بگویند یا بعداً محدودیت‌هایی را برای او اعمال کردند؟

○ به هر حالت «کاغذ اخبار» یک روزنامه دولتی و در واقع ارگان دولت بود. چنین روزنامه‌ای نمی‌توانست روزنامه آزاد باشد. اولین روزنامه غیر دولتی با نام «تربیت» در دوره مظفرالدین شاه مجوز انتشار می‌گیرد و تا آن زمان چاپ در انحصار دولت بود. به تدریج مطبوعات غیر دولتی فرصت چاپ پیدا می‌کنند و بعد از انقلاب مشروطه است که کارگران چاپخانه اعتصاب می‌کنند. در واقع اعتصاب کارگران چاپخانه اولین اعتصاب کارگری در ایران است.

● **نوع مطالب و شیوه طرح مطالب روزنامه تربیت چگونه بود که دچار توقیف در همان ابتدای کار نشد؟**

○ در روزنامه‌های دولتی شرح کارهای دولت چاپ می‌شد و سفرها و برنامه‌های مختلف پادشاهان را تشریح می‌کرد. بعضی اوقات هم مسایل ایران و تحولات دنیا را منتشر می‌کرد. این نوع روزنامه‌ها زمینه را برای فعالیت مطبوعات انقلابی فراهم کردند.

● **آیا مطبوعات غیر دولتی به نقد فعالیت‌های دولت و حکومت هم توجه داشتند؟**

○ مطالب این روزنامه‌ها متنوع بود و سعی می‌کردند مطالبی را که روزنامه‌های دولتی نمی‌گویند، منعکس کنند. بر همین اساس زندگی مردم و نارضایتی مردم را در روزنامه انعکاس می‌دادند ولی روش انتقادی نداشتند. یعنی با توجه به اعتمادی که مظفرالدین شاه به آنها داشت، مجوز چاپ روزنامه می‌گرفتند و البته می‌نوشتند روزنامه‌های کاملاً آزاد هستند. برای این که ماموران دولتی در امورشان مداخله نکند اجازه نامه شاه را هم چاپ می‌کردند.

● **آیا چنین نشریاتی جذابیت خاصی هم داشتند؟**

○ مثل روزنامه‌های آزاد نبودند ولی فقط با روزنامه‌های دولتی تفاوت داشتند. چون آنها می‌ترسیدند و احساس امنیت نمی‌کردند.

● **آیا واقعا چنین فعالیت‌هایی در دوره ناصرالدین شاه عملی نبود که نیازی به**

خروج نخبگان و نویسندگان ایرانی از کشور نباشد؟



یک نفر بلژیکی که بعد از سفر ناصرالدین شاه به اروپا همراه او به ایران آمد روزنامه وطن را به زبان فرانسه چاپ کرد. در سر مقاله آن روزنامه آمده بود که ما آزادانه همه چیز را بررسی کرده و انتقاد خواهیم کرد. اما ناصرالدین شاه اجازه نداد شماره دوم آن چاپ شود.

● آیا یک شهروند بلژیکی می‌توانست در داخل ایران کاملاً آزادانه نظر بدهد و از مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه انتقاد کند؟



● میرزا صالح شیرازی

○ خیر؛ او تصور می‌کرد که می‌تواند چنین کاری بکند ولی روزنامه‌اش توقیف شد. متأسفانه جز سر مقاله آن هم چیزی به دست نیامده است. در چنین فضایی دیگران هم احساس می‌کردند نمی‌توانند مطالب خود را به صورت آزادانه منتشر کنند.

● گفته می‌شود «میرزا حسن رشديه» بر مبنای آمار تعداد افراد با سواد و بی سواد کشورهای اروپایی و ایران که در روزنامه «اختر» آمده بود سعی می‌کند مدارس جدید را در ایران راه اندازی کند. چه انگیزه‌ای می‌توانست نویسندگان و روشنفکران ایرانی را وادارد به کشوری مثل عثمانی بروند و در اسلامبول و قاهره، روزنامه‌هایی به زبان فارسی چاپ کنند؟

○ واقعا آن‌ها می‌خواستند مردم را روشن و بیدار کنند و کاری کنند که مبنای دموکراسی در ایران برقرار شود و مشروطیت به وجود بیاید.

● برقراری دموکراسی از دید آن‌ها به سرعت قابل پیاده شدن بود؟

○ این جوری تصور می‌کردند. همه آن‌ها آرمان خواه بودند. مثل همان روزنامه نگاران اروپایی که به هلند رفتند و روزنامه چاپ کردند این‌ها هم همان اندیشه‌ها را در سر می‌پروراندند.





● این یک تصور ساده لوحانه نیست؟
○ نمی شود بگوییم ساده لوحانه ولی خوشبینانه بود.

● بعد از مرگ فتحعلی شاه، قائم مقام تمام سعی خود را برای به سلطنت رساندن محمد میرزای ولیعهد به کار بست و حسین علی میرزا فرمانفرما که یکی از فرزندان فتحعلی شاه بود و در شیراز اعلام سلطنت کرد را سرکوب کرده و کشت. سه تن از فرزندان فرمانفرما به انگلستان رفتند و تقاضای پناهندگی کردند. یکی از این سه تن رضا قلی میرزا است که در خاطراتش

می نویسد انگلیسی ها از ۲۵۰ سال پیش به بعد به آزادی رسیدند ولی قبل از آن حالت توحش داشتند. اتفاقا بر خلاف نظر رضا قلی، مگنا کارتا در قرن سیزدهم و در سال ۱۲۱۵ میلادی توسط پادشاه آن کشور صادر شد و بخشی از حقوق گروه هایی از مردم را به رسمیت شناخت....

○ شناخت کافی نسبت به تاریخ تحولات اروپا نداشتند.

● آیا این شناخت در دوران مشروطه هم به اندازه کافی پیدا نشد؟

○ به طور نسبی شناخت پیدا شد. البته ایرانیان تحصیلات لازم را نداشتند تا همه چیز را تشخیص بدهند. فقط به طور سطحی اطلاعاتی کسب کرده بودند. حتی برخی از ایرانیان مثل «عبداللطیف شوشتری» به هند می روند و به طور غیر مستقیم می فهمند که در انگلستان چه می گذرد. تا این که «میرزا ابوطالب» نویسنده کتاب «سفینه طالبی» به انگلستان مسافرت می کند و برای اولین بار است که یک ایرانی در مورد جنبه های مثبت و منفی مطبوعات در آنجا مطلب می نویسد.

● شخص «میرزا صالح شیرازی» که در «کاغذ اخبار» مطالبی در مورد صنعت چاپ و نظام پارلمانی چاپ کرده است هم در دوره فتحعلی شاه به بریتانیا رفته بود.





آیا او از وضعیت مطبوعات و اقتضانات روزنامه نگاری شناخت کافی پیدا نکرد؟
 ○ خیر؛ چون او رشته‌های مختلف را دنبال می‌کرد به طور خاص فرهنگ و تاریخ و تمدن غربی را نتوانست به طور دقیق مطالعه کند. حتی انقلاب فرانسه را هم یک غوغا و فتنه معرفی می‌کند و نمی‌داند اساسا انقلاب فرانسه چه بوده است. با این حال او انگلستان را به عنوان ولایت آزادی نام می‌برد و خیلی سطحی در مورد آن کشور بحث می‌کند.
 ● او پختگی و اطلاع لازم را کسب نکرد یا فقدان آزادی در ایران موجب می‌شد او با صراحت کافی اظهار نظر نکند؟
 ○ هر دو عامل موثر است. چون اگر پخته بود سعی می‌کرد تا حد امکان آزادی‌هایی را به دست بیاورد.

● می‌توانست در نشر مطالب در همان کاغذ اخبار بهتر عمل کند؟
 ○ به طور نسبی شاید بهتر می‌توانست عمل کند.
 ● اما شما می‌گویید سواد کافی نداشت؟
 ○ هم اطلاعات کافی نداشت و هم این که همین افراد باسواد برای حفظ موقعیت خودشان به تمجید شاه می‌پرداختند و حاضر نبودند چیزی بنویسند که شاه ناراحت شود. در ضمن روزنامه کاغذ اخبار فقط در سه شماره چاپ شد.
 ● پس چند عامل موجب عدم رشد روزنامه نگاری در ایران می‌شود و صرفا استبداد حکومتی نیست که مشکل ایجاد می‌کند؟
 ○ اما استبداد شرایطی ایجاد می‌کند که افراد صاحب فرهنگ نمی‌شوند و در کنار استبداد، فشار استعمار نیز وجود داشت. بعضی‌ها می‌گویند روزنامه نگاری ایران در شرایط خاصی به دنبال سراب تجدد خواهی بوده است و اسم آن را سراب تجدد خواهی در وادی استبدادی و استعماری گذاشته اند.

● آیا با ازدیاد سفر ایرانیان به خارج از کشور، شناخت‌ها کیفیت پیدا می‌کند؟
 ○ متأسفانه ما هم چنان ضعف داریم. اولین سفیر ما که در سال ۱۸۰۹ به انگلستان می‌رود میرزا حسن خان شیرازی (ایلچی) است که بعدا سفرنامه‌اش را با عنوان حیرت نامه نوشت. او مرتب به فکر عیاشی و لذت جویی بوده است و همه جا از زیبایی خانم‌ها و ارتباط برقرار کردن با خانم‌ها صحبت می‌کند. در واقع او دنبال سرگرمی‌های شخصی

خودش است و به فکر مصالح ایران نیست.

● رضاقلی میرزا نوه فتحعلی شاه در همان سفرنامه گفته است که اگر دولت بریتانیا یک لیره از بودجه را حیف و میل کند نمایندگان مجلس و مطبوعات اعتراض می کنند. این نوع شناخت کافی نیست؟

○ این افرادی که به بریتانیا رفتند در واقع مغضوب دولت بودند. البته اطلاعاتی هم کسب کردند ولی این اطلاعات نمی توانست تحول فکری در آنها ایجاد کند.

● در اهمیت خبرنامه ها در غرب گفته شده که بدون گازت ها انقلاب آمریکا هرگز به ثمر نمی رسید. در متمم قانون اساسی آن کشور هم آمده که کنگره حق ندارد آزادی مطبوعات را محدود کند.

در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) گفته شده که ارتباط آزاد و افکار یکی از مقدس ترین حقوق انسانی است و هر شهروندی می تواند در قالب آزادی های تصریح شده آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند. آیا روندی که در غرب شکل گرفت الزاما باید به آزادی مطبوعات ختم می شد؟

○ شاید بشود گفت که آمریکا یک وضع استثنایی داشته است چون در آنجا مبارزه طبقاتی وجود نداشت. مهاجرانی که در شرایط اقتصادی و اجتماعی در آنجا زندگی می کردند با هم خیلی فرق نداشتند و محیط طبقاتی در آن کشور شکل نگرفت. در حالی که در فرانسه، انقلاب واقعی صورت گرفت. حتی علی رغم پیروزی انقلاب فرانسه، آزادی مطبوعات در قالب ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند، جز در چند مورد استثنایی تأمین نشد. به علت این که مبارزات طبقاتی وجود داشت و خیلی هم طول کشید تا آزادی حاصل شد. اما در آمریکا دولتی که به وجود آمد مطبوعات را کنترل نمی کرد.

● میرزا ملکم خان روزنامه را سرچشمه اصلاحات و انتظام دنیا خوانده بود، حرکت ملت ها را با روزنامه عملی می دانست و می گفت بهترین وسیله نجات و ترقی کشور، روزنامه نگاری است. عمدتا پیش از آن قانون را مبنای تحول می دانستند. این تغییر نگرش و اعلام جایگاه و اهمیت مطبوعات چه چیزی را بشارت می دهد؟

○ متأسفانه این نیروهای فکری وسعت نداشت که همه جوانب را در نظر بگیرند و ارتباط روزنامه نگاری را با قانونگذاری و اقتصاد و فرهنگ نادیده می گرفتند و بریده بریده



به این اندیشه‌ها توجه می‌کردند. در صورتی که اگر این اندیشه‌ها با هم جمع می‌شد و در همه زمینه‌ها اطلاعات و معلومات کافی به دستی می‌آوردند می‌توانستند هماهنگی پیدا کنند و به پیروزی برسند. یعنی آزادی مطبوعات بدون حمایت قانون امکان‌پذیر نیست. بزرگترین اشکال ما این بوده است که ما صاحب روزنامه شدیم ولی هیچ‌گاه حاکمیت قانون در حمایت از روزنامه‌ها ایجاد نشد.

● خانم «شیل» همسر وزیر مختار بریتانیا در ایران عصر ناصرالدین شاه گفته وقتی صدر اعظم سر مقاله روزنامه را می‌نویسد، باید گفت که ایرانیان شاید ۵۰۰ سال دیگر به آزادی مطبوعات برسند. چنان کاری این نتیجه‌گیری را می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

○ چنین نگرشی ناشی از دیدگاهی است که قصد تحقیر ما را دارد. در حالی که تا حدی خود آن‌ها هم مانع پیشرفت و آزادی ما شدند. البته آن‌ها در سال ۱۶۹۴ قانون سانسور مطبوعات و کسب اجازه دولت برای انتشار مطبوعات را لغو کردند. در حالی که ما، در ایران هنوز به آن خواسته نرسیده‌ایم و ۱۵۰ سال بعد از چنان اظهار نظری هنوز ضرورت کسب مجوز را داریم.

● به نظر شما آن‌ها به چه شکل مانع پیشرفت و آزادی ما شدند؟

○ آن‌ها می‌خواستند استعمار خودشان را در هند ادامه بدهند. به همین دلیل در دوره قاجار و پهلوی کارشکنی می‌کردند و هیچ‌گاه نگذاشتند ایران به استقلال واقعی برسد. آن‌ها مقصرنند اگر ما نتوانستیم روزنامه آزاد و خوب داشته باشیم.

● همه تقصیر را به عهده آن‌ها می‌گذارید؟

○ آن‌ها تقصیر داشتند و ما هم مقصریم. کار ما در واقع همان سراب تجدد خواهی در وادی استبدادی و استعماری بود. ما دچار استبداد بودیم و آن‌ها هم استعمار را به ما تحمیل کردند.

● آیا مردم هم اهمیت آزادی مطبوعات را در ایران درک کرده بودند که طالب

آزادی بیان و آزادی مطبوعات باشند؟

○ در آن شرایط تاریخی، مردم آگاه نشدند. چون استبداد شدیدی در دوره صفوی و بعد از آن وجود داشت و بعد از صفویه ما ۴۰ سال قدرت مرکزی نداشتیم. بعد از آن



جنگ قاجار و زندیه پیش آمد و بعدا هم جنگ‌های ایران و روسیه را داشتیم. در چنان موقعیتی ما نمی‌توانستیم صاحب دموکراسی شویم، تمرین دموکراسی کنیم و روزنامه‌های آزاد داشته باشیم. به طور کلی می‌توان گفت آزادی مطبوعات هم فقط در چند مقطع زمانی داشتیم.

● آیا می‌توانیم در یک تقسیم بندی کلی بگوییم که روزنامه‌های فارسی زبان برون مرزی منتشر شده در عثمانی و اروپا به نگرش لیبرالیستی نزدیک هستند و روزنامه‌های چاپ قفقاز به نگرش چپ و سوسیالیستی؟

○ خیلی قاطع نمی‌شود گفت ولی به طور نسبی چنین چیزی را می‌توان پذیرفت. یعنی فرضاً می‌توانیم بگوییم روزنامه‌هایی که در هند و عثمانی و اروپا چاپ شدند. روزنامه‌های لیبرال هستند و اندیشه‌های سوسیالیستی روی آن‌ها اثر نگذاشته بود. اما روزنامه‌هایی که در قفقاز منتشر می‌شدند متأثر از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و تحولات آن منطقه بودند و از ایده‌های سوسیالیستی تاثیر پذیرفتند و بعد هم توسعه پیدا کردند.

● کدام یک از این دو گروه نشریه بر فضای داخل کشور تاثیر بیشتری بر جای گذاشتند؟

○ فکر می‌کنم روزنامه‌های چپ‌گرا عمدتاً در آذربایجان اثر می‌گذاشتند و فقط تعداد محدودی از آن‌ها به تهران می‌رسید. اما روزنامه‌هایی که در هند، عثمانی و مصر چاپ می‌شدند بیشتر روی کسبه و کارمندان دولتی تهران یا برخی شهرهای دیگر تاثیر می‌گذاشتند.

● چه انگیزه‌ای آن‌ها را وادار می‌کرد که ایرانیان مقیم کشورهای همسایه ایران با سماجت و تاکید به چاپ روزنامه ادامه دهند؟

○ می‌خواستند به ایجاد مشروطیت کمک کنند، هویت خودشان را حفظ کنند و روزنامه داشته باشند. چون منافع آن‌ها ایجاب می‌کرد که استبداد از بین برود. بالأخره آن‌ها متعلق به گروه‌های بورژوازی بودند و می‌خواستند تجارت ملی و صنعت ملی رشد بکند و این‌ها هم از شرایط اجتماعی بهترین برخوردار شوند.

● با تعداد اندک این افراد می‌شد خواسته‌های یک طبقه نمایندگی و سازماندهی شود؟





• سیدنا شکر خان دادلو آندوئه

- بله؛ این‌ها نشانه‌هایی از مخالفت گروه‌های متوسط جامعه بود. البته این مطبوعات نمی‌توانستند باعث سرنگونی نظام شوند ولی می‌توانستند دلخوشی ایجاد کنند.
- پس حرکتی که «میرزا ملکم» می‌گفت با روزنامه می‌توان ایجاد کرد، در مورد کشور ما صدق پیدا نمی‌کرد؟
- این کار در ایران عملی نبود. چون آگاهی کافی وجود نداشت و اکثر مردم بی سواد بودند. بنابراین آگاهی سیاسی و اجتماعی کافی را نداشتند.
- حداکثر کاری که این روزنامه‌ها

می‌توانستند انجام دهند چه بود؟

- می‌توانستند باعث دلگرمی دیگران شوند. کسانی که در تهران یا شهرهای دیگر زندگی می‌کردند دلگرم می‌شدند که کسانی دارند این کار را انجام می‌دهند.
- چرا روزنامه‌های با نگرشی لیبرالیستی نمی‌توانست در مناطق شمالی نفوذ کرده و یا مطبوعات با نگرش چپ به مناطق جنوبی ایران برود؟
- روزنامه‌ها براساس آشنایی‌ها توزیع می‌شد. روزنامه‌ها را برای کسانی در داخل ایران می‌فرستادند که نسبت به آن‌ها اطمینان داشتند. چون امکان توزیع آزادانه آن‌ها وجود نداشت.

- چنین وضعیتی زمینه را برای دو قطبی شدن جامعه آماده می‌کرد؟
- در عمل همین جوری شده بود و در دوره دوم مجلس شورای ملی چنین وضعی پیش آمد.

● پیامد این دو قطبی شدن فکری جامعه چه بود؟

- آن وضع تا دوره انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد و گروه‌های راست و چپ در برابر هم بودند. ما به خود آگاهی لازم نرسیدیم که منافع ملی را تشخیص دهیم و در عین



نمی‌خواستند بر آن‌جا تاثیر منفی بگذارند و یا حتی نمی‌توانستند کاری علیه عثمانی بکنند.

● آیا اجازه چاپ آزادانه را عثمانی به روزنامه نگاران ایرانی داده بود؟

○ شاید بشود گفت که به نوعی اغماض می‌کردند.

● انگیزه آن‌ها از این نوع چشم پوشی چه بود؟

○ شاید فکر می‌کردند قدرتی که رقیب‌شان هست و به آن چشمداشت دارند ضعیف شود به نفع آن‌ها باشد. برای آن‌ها یک ایران ضعیف، بهتر از یک ایران قوی بود.

● آن‌ها هم خودشان خواهان حکومت قانون و در پی اصلاحات بودند؟

○ قانون اساسی آن‌ها در سال ۱۸۷۶ تصویب شد ولی حاکمان عثمانی صداقت نداشتند و طالب مشروطه نبودند. آن‌ها می‌خواستند خلافت اسلامی را احیا کنند و خودشان را خلیفه همه مسلمانان اعلام کنند. اگر هم به فکر اصلاحات بودند به خاطر فشار انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بود.

● به چه علت؟

○ کشورهای غربی می‌خواستند که عثمانی دارای یک نظام لیبرال باشد. اگر وضع داخلی عثمانی بهتر می‌شد می‌توانست متحد فرانسه و انگلیس شود. در حالی که عثمانی متحد آلمانی‌ها شد.

● اگر نظام عثمانی لیبرال می‌شد امکان پیشرفت همه جانبه ترکیه بود؟

○ بستگی به این داشت که چه حکومتی روی کار بیاید. اگر حکومتی ملی که باعث پیشرفت سرمایه داری و تقویت بورژوازی ملی می‌شد، آن هدف قابل تحقق بود و بازار کالاهای غربی هم توسعه پیدا می‌کرد.

● اگر دموکراسی باعث تقویت عثمانی می‌شد؟ چرا اجازه فعالیت آزاد را به روزنامه «اختر» و افرادی هم چون میرزا علی محمد کاشانی مدیر بعدی روزنامه «ثریا» را می‌دادند که در واقع خواهان اعتلای ایران بودند؟

○ عثمانی‌ها اعتقادی به دموکراسی نداشتند و تا آخر هم استبداد را حفظ کردند. آن‌ها نمی‌خواستند در ایران هم دموکراسی باشد. از قبل هم سابقه رقابت قدیمی با ایران را داشتند.



● پس نوع آزادی‌ای که به روزنامه نگاران ایرانی داده شده بود چگونه وضعی داشت؟ آیا ایرانیان هم برخوردار از آزادی رایج در آن جامعه بودند؟

○ بله؛ البته آزادی نسبی در عثمانی وجود داشت و آن آزادی‌ای که برای مطبوعات داخلی خودشان بود، ایرانی‌ها نیز از آن استفاده می‌کردند. در کل هم استبداد عثمانی ضعیف‌تر از استبداد ما بود. حداقل‌هایی از آزادی در آن‌جا بود که در ایران نبود.

● آن حداقل آزادی به حدی بود که موجب تحول در ایران باشد؟

○ می‌توانست موثر باشد ولی نمی‌توانست ایجادکننده تحول باشد.

● در هند چه وضعیتی حاکم بود که آزادی‌های رایج در آن‌جا را بیش از آزادی‌های

مرسوم در مصر و بسیار بیشتر از عثمانی می‌دانید؟

○ دولت انگلستان مظهر قدرت سرمایه داری در دنیا بود و اگر دموکراسی لیبرال در ایران و عثمانی گسترش پیدا می‌کرد به نفع آن‌ها بود. چون بازارهای جهانی ایجاد می‌شد و منافع اقتصادی آن‌ها هم بهتر تأمین می‌شد.

● شما که پیش از این گفتید انگلیسی‌ها خواهان ایران مستقل و شکوفا نبودند؟

○ در دوران مشروطه می‌خواستند حکومتی روی کار باشد که حداقل دموکراسی ظاهری را در ایران برقرار کند ولی با استعمار مخالفت نکنند. به همین دلیل بود که با دولت دکتر مصدق مخالفت کردند و نگذاشتند حکومتش ادامه پیدا کند.

● به چه علت؟

○ برای این که فکر می‌کردند یک دموکراسی واقعی در جامعه به وجود می‌آید و منافع‌شان را از بین می‌برد.

● اگر جامعه ما قانونمند می‌شد این وضع به نفع مردم ایران هم بود؟

○ اگر دموکراسی واقعی ایجاد می‌شد به نفع مردم بود. حتی اگر به صورت ظاهری نیز دموکراسی برقرار می‌شد، به نفع مردم ما بود. چون دموکراسی ظاهری راه را برای دموکراسی واقعی هموار می‌کرد. انگلیسی‌ها از اوایل قرن نوزدهم با پیشرفت ایران مخالف بودند و می‌خواستند ایران کشوری فقیر باقی بماند تا در حالت وابستگی باشد و به هند لطمه وارد نکند. شاید هیچ‌وقت نظرشان نسبت به ایران مساعد نشده بود. اما در دوره مشروطه، آنها نمی‌توانستند جلوی انقلاب را بگیرند. تصور می‌کردند اگر دموکراسی در



ایران برقرار شود منافع آنها نیز تامین خواهد شد.

● چرا بعد از ترور ناصرالدین شاه، دولت عثمانی به درخواست ایران در عودت دادن «میرزا آقا خان کرمانی» و «شیخ احمد روحی» پاسخ مثبت داد و با تحویل آنها به ایران موافقت کرد و بعد از تحویل دادن آنها به ایران به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد اعدام شدند؟

○ دولت عثمانی یک دولت استبدادی بود. عثمانی‌ها می‌ترسیدند در کشورشان قیام عمومی و انقلاب رخ دهد. حتی آنها «سید

جمال» را از بین بردند. چون می‌ترسیدند سید جمال شرایطی ایجاد کند که به قدرت‌شان لطمه وارد شود.

● با وجود رقابت پنهانی عثمانی و ایران، پس چرا منتقدان دولت ایران را به نمایندگان دولت رقیب تحویل دادند؟

○ بعضی توافقاتی مقطعی پیش می‌آمد و بعضی افراد هم قربانی می‌شدند. جان این اشخاص برای دولت عثمانی مهم نبود.

● مطبوعات فارسی زبان برون مرزی در لغو قرارداد تنباکو نقش داشتند. این نقش تا چه مرحله‌ای تاثیر می‌گذاشت؟

○ این‌ها شرایط ایجاد شده را تحریک و تقویت می‌کردند. تا آن حد موثر بودند ولی نمی‌توانستند عامل اصلی تحول باشند.

● این اثر گذاری در سطح قضایا باقی می‌ماند؟

○ بله؛ در سطح باقی می‌ماند و در حد تأمین منافع مقطعی بود. خارج از این سطح هم نمی‌رفت. چون خوانندگان این روزنامه‌ها زیاد نبودند و همه افراد با سواد نبودند. باسوادان زیادی هم با دولت همکاری سیاسی می‌کردند و می‌ترسیدند که چنین روزنامه‌هایی را



«میرزا آقا خان کرمانی»





به دیگران بدهند. تاثیر مطبوعات برون مرزی محدود بود. این نوع روزنامه‌ها به طور نسبی اثر گذار بودند. اگر می‌توانستند موج ایجاد کنند به جایی می‌رسیدند. چون در عمل آگاهی کافی در بین گروه‌های اجتماعی پدید نیامد تا خواسته‌های خود را به طور مشخص و مستمر پیگیری کنند. البته در دوره مظفرالدین شاه اجازه چاپ مطبوعات ملی داده می‌شود ولی هم‌چنان استبداد وجود داشت. به همین دلیل انقلاب مشروطه به پیروزی واقعی نمی‌رسد.

● انقلاب واقعی به چه معنا هست؟ اگر

انقلاب مشروطه دیرتر به پیروزی می‌رسید احتمال افزایش آگاهی طبقات مردمی وجود داشت؟

○ در آن زمان نیروهای کارآمد وجود نداشتند و رقابت‌هایی مخربی هم شکل گرفت که همان دستاوردهای به دست آمده را از بین برد. پیروزی واقعی زمانی بود که گروه‌های مختلف منافع ملی را تشخیص می‌دادند و با هم‌دیگر به توافق می‌رسیدند. یعنی هر گروهی که با رأی مردم انتخاب می‌شد باید به قدرت می‌رسید و تجربه اروپا باید در ایران تکرار می‌شد.

به تعبیر دیگر اگر جامعه مدنی به وجود می‌آمد، جامعه ایرانی به پیروزی واقعی می‌رسید. در جامعه مدنی است که به قول «هابرماس» گستره عمومی به وجود می‌آید و مطبوعات بیدار کننده مردم پدید می‌آیند. در جامعه مدنی مورد نظر هابرماس بخش عظیمی از جمعیت جامعه متکی به دولت نیستند و زندگی مردم از لحاظ معنوی و مادی بهبود پیدا می‌کند.

● در عصر مشروطه بسیاری از روشنفکران ایرانی اعتقاد داشتند که انتقاد و نقد می‌تواند به تدریج منبع و موتور محرکه جامعه باشد و حتی اعتقاد داشتند که انتقاد



کردن چیزی غیر از ایراد گرفتن و مسخره کردن بسیاری از اعتقادات نیست. آیا جامعه ما، در آن روزگار قابلیت آن را داشت که با ترغیب مطبوعات برون مرزی و آثار روشنفکران نقد پذیر شود؟

○ در آن دوره هیچ امیدی به ایجاد جامعه مدنی وجود نداشت.

● مشکل نقد ناپذیری جامعه به حکومت بر می‌گشت و یا فرهنگ سیاسی جامعه اجازه تحول را نمی‌داد؟

○ این‌ها با هم تعامل دارند و روی هم اثر می‌گذارند. اما چون فشار استبداد زیاد بود جامعه نمی‌تونست متحول شود. مگر این که انقلاب رخ می‌داد و یا شرایط خاصی از این قبیل اتفاق می‌افتاد.

● بعد از فعالیت گسترده و هم‌چنین چاپ این مطبوعات است که انقلاب مشروطه پیروز می‌شود ولی همان مناسبات قبلی باز تولید می‌شود و فنودال‌ها به قدرت می‌رسند....

○ متأسفانه همین جور شد. بنابراین ما باید مطالعه کنیم و نتایج را به دانشجویان بگوییم. آن‌ها هم این یافته‌ها را به متن جامعه خواهند بُرد.

● آیا می‌شود گردانندگان و نویسندگان روزنامه‌های برون مرزی را از نظر توجه به منافع ملی و شخصی مقایسه کنیم؟

○ مثلاً «میرزا ملکم خان» بعد از این که رابطه‌اش با ناصرالدین شاه تیره می‌شود روزنامه قانون را منتشر می‌کند ولی روزنامه‌هایی که در عثمانی یا مصر چاپ شدند کمتر به منافع شخصی‌شان توجه کردند. به همین دلیل می‌توان با خوش‌بینی بیشتری به این مطبوعات نگاه کرد. یعنی «میرزا ملکم خان» متأسفانه منافع شخصی خودش را بر منافع عمومی ترجیح داده است.

● به نظر شما نوع عملکرد و خط مشی کدام روزنامه فارسی زبان می‌توانست تاثیر بهتری بر جای بگذارد؟

○ روزنامه اختر تندرو بود و روزنامه‌های مصر هم چون «حبل‌المتین» هند میانه رو بودند. ما نیاز به یک میانه رو تندتر داشتیم. یعنی تلفیقی بین «اختر» و «ثریا» و «حبل‌المتین». شاید اگر چنین چیزی پیدا می‌شد بهتر بود. به هر حال این روزنامه‌ها فعالیت‌های مثبتی



انجام دادند. اما برای این که واقعا بفهمیم که تا چه حد مطالب کیفی داشتند باید آن‌ها را با نشریاتی مقایسه کنیم که در همان زمان در مصر و اسلامبول برای مردم آن مناطق و به زبان خودشان چاپ می‌شد تا واقعیت‌شان را درک کنیم. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی